

۵

الخاميس

تكملة
تكملة
تكملة

الخامس
عشر

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		جمهوری اسلامی ایران شماره ثبت کتاب
کتاب قرآن ترجم		
مؤلف		شماره کتاب ۲۳۱۴۶
مترجم		
شماره قفسه ۲۰۲	شماره قفسه ۱۴۵	

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۴۵ شماره ۲

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۲۰۲

۸
۱
۱
۸
۸
۳
۵
۶
۸
۷
۶
-۱
۱۱
۸۱
۸۱
۳۱
۵۱
۸۱
۷۱
۵۱

۵

الخاميس

تكملة
مكتبة
مجلد ۱

الخامس
عشر

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

کتاب قرآن ترجم

مؤلف

مترجم

شماره قفسه

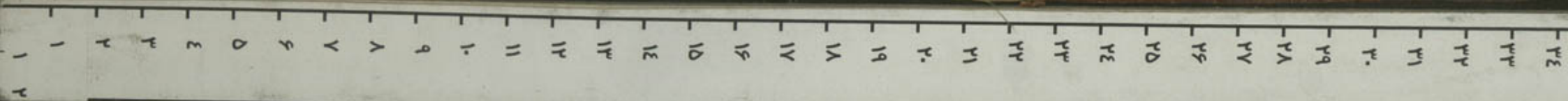
۲۳۱۴۲

صندوق ۲
۱۴۵

۲۰۱۲

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۴۵ صندوق ۲

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۲۰۱۲



ش ۵

۲۳ | ۴۹

بازرسی شد
۲۶ - ۲۷

۱۰۰



وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ مَلَكَتْ
 وشوای مندان از زنان مکرانک ناز شاهست

إِنَّمَا نَحْنُ كِتَابُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَجَلٌ
 بران مکراب حزای برستا و جلال کرد

لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ مَرَّانٌ تَتَنَعَوْنَ
 شمارا اچ خندا از انست شمارا که بخوند

يَا مَوَالِكُمْ مَحْضِينَ غَيْرِ مَسِيٍّ فَحِينَ
 خواستار سا ماکان باشید نه ملندان درناکترکان



فَمَا آيِسْتُمْ نَعْتَمَ بِهِ مِنْهُنَّ فَاتَوْهَنَّ
 اچ بر خود داری کبر بر شماران از ایشان بدیدان تا ترا

أَجُوزَ مِنْ قَرْيَةٍ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
 کادوسها ایشان واحد کرده و سستگی بر شما

فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ
 دناج نسد کادوسوز زنان از بر برده

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا وَمَنْ
 که حزای هست دانا درسه کادوس و هرک

لَمْ يَسْتَبْطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ تَنْجَحُوا
نه توانند از شما افزونی که بزرگند

الْمُحْضَنَاتِ الْيَوْمَانِ فَمِنْ مَا
زمانه ای آزاد کرده و زمانه ای از اجاج منات

مَلَكَتْ أَيْمَانَكُمْ مِنْ قَتِيلَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
مادداشتند دستهای شما از کبیرگان شما کوردگان

وَأِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ بِأَيْمَانِكُمْ لِبَعْضِكُمْ
وحدای داناستد با امانتان برخی شما

مِنْ بَعْضٍ فَأَنْجِحُوا مَنْ بَارَزَ أَهْلَهُمْ
از برخی نرفتی کیندانشانرا برهان

وَأَنْتُمْ مِنْ أَجْوَدِهِمْ بِالْمَغْرِبِ وَفِ
و پسران شما بر او کادسنا ایشان بیگوانی

الْمُحْضَنَاتِ غَيْرِ مَسَائِفَاتٍ وَلَا
ما کوردگان ناسند نه دنا کوردگان نه

مُتَّحِدَاتِ اخْتِيارٍ فَإِذَا أَلْجَبْنَ
و کبیرگان دوستگاران هم با کوره ما شدند

فَأَنْتُمْ بِنَفْسِكُمْ فَعَلَيْهِمْ
اگر آمد بپندگی بر ایشان باشند

بِضْفِ مَا عَلَى الْمُحْضَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ
ببینی از اجاج بر زمانه کینه آزاد باشند از عذاب

ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَذَابَ مِنْكُمْ وَان
ان انراست که ترسند بترسند ارشاد واکر

تَصْبِرُوا وَاخَيْرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
صبر کنید بهتر شمارا و خدای امرزگار

رَحِيمٌ بِرَبِّدِ اللَّهِ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ
و محشاهست بخواهد خدای که سزاگر شما

وَيَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
و راه نماید شمارا راه آنان که از پیش شما بودند

وَيُتَوَبُّ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
و توبه کند بر شما و خدای داناست راست گزار و راست گویا



وَاللَّهُ يَبْدَأُ تَوْبَةً عَلَيْكُمْ وَيَبْدَأُ
و خدای بخواهد که توبه کند بر شما و توبه خواهد

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ ان
انان که بسروی کردند شهوات را که

تُهَيَّاؤُوا مِثْلَ عَظِيمًا بِرَبِّدِ اللَّهِ ان
بگردند کستی بزرگ بخواهد خدای که

تَخَفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْانْسَانَ
سز کند از شما و سازد ادی را

ضَعِيفًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا
سست ای انان که مکرورید مه

تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبِطَالِ

خورید مالها شما میان شما ناجق

إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ

مگر که باشد بازرگانی از خشودی از شما

وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ

وهرکیند شما خود را که خدای هست بشنا

بَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدُوًّا

مخاینه و هر که کند از دشمنان

و ظَلَمًا فَيَسُوفَ نَجَلِيهِ نَارَ أَوْكَاثٍ

و ستم روز بود که آید آرد او را در آتش و هست

ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

از بر خدای آسان اگر بر عهدید



كِبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ

از گناهان بزرگ ای باز نه زنده شما را از سر ساینم از شما

إِن يَأْتِكُمْ مِنْكُمْ وَبَدَّخَلَكُمْ مِنْكُمْ

اگر آید شما در آید شما در آید شما در آید

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ

و آرزو مکنید ای فضل کرد خدای بر آن برخی را از شما

عَلَى بَعْضِ الرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا

بر برخی مردانها سهم است از آنچه ساختند

وَاللَّيْسِيَا نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا
دوستانا همه ایشانرا همه ایشانرا که حذای هستند بر

وَسَيَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ
وخواهند از حذای از فضل او که حذای

كَانَ كُلُّ نَفْسٍ عَلَيْنَا وَلِكُلِّ
هست همه حیر دانا و هر کس را

جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ
کردیم دوستان از آنچه گذاست ماز و پدر

وَالَّذِينَ عَقَلَتْ آيَاتِنَا كُمْ
دوستان و آنکسانی که است

فَاتَوْهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ كَمَا نَزَّلْنَا
همه ایشانرا همه ایشانرا که حذای هستند بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا
همه چیز کواه مردان کما سکان

عَلَى النَّبِيِّاتِ فَضْلًا اللَّهُ بَعْضُهُمْ
بر زنان ذناب ذناب فضل نهاد حذای برخی را ایشان

عَلَى بَعْضٍ فِيمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ
بر برخی و ذناب هزینه کردند از خواستنها و خویش

فَالصَّالِحَاتُ قَلِيلَاتٌ خَائِفَاتٌ
زنان سالمان در میان مرداران گناه داران

لَلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّيَالِي
راز و نیاز مداح نگاه داشت خدای و از نیاز که

تَخَافُونَ نَشُوزَهُمْ فَعِظُوهُمْ فَرِحُوا
ترسید از نافرمانی ایشان سد بیدارشان را

أَهْجَرُوا هُمْ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرَبُوا
و برید از ایشان در سترجانهها و برید از ایشان

فَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ فَلَا تَتَّبِعُوا عَلَيْهِمْ
اگر فرمان برید شما را مه خوید و ایشان

بِئْتِبِلَاءٍ إِنْزَالِ اللَّهِ كَانَ عَلَيْنَا كَيْدٌ
راهی که خدای هست برتر و لا کفر

وَإِنْ حَقَمْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَالْعَثْوَا
و اگر تترسد شما خلاف مدار سوی و برین بفرستید

حِكْمًا مِنْ أَمْرِ هَلْهِ وَحِكْمًا مِنْ أَمْرِ هَلْهَا
داوری از کار ببرد و داوری از کار زن

إِنْ يَرِيدُوا آجُلًا خَابَ يَوْفُ اللَّهِ بَيْنَهُمَا
اگر خواهند که ساان بوسند سلاح کند خدای مدار ایشان



إِنْزَالِ اللَّهِ كَانَ عَلَيْنَا كَيْدٌ
که خدای هست دانا و بنا او برستید

اللَّهُ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا فَبِأَلْسِنَتِهِ
خدایا و ایناز مکتوب ز ما او حسری و ما را بریدند

اخْتِيَارَنَا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

نگوی کردن با خود و از خویشی و یتیمان

وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ

و درویشان و همسایه خویشان

وَالْجَارِ الْجَنَبِ وَالصَّالِحِ الْجَنَبِ

و همسایه سگانه و داری که بدو دوست

وَأُولَىٰ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

و راه کنایه و آنچه با شماست و دستانتان

إِنَّ اللَّهَ لَا يَحْتَسِبُ مَن كَانَ مَخْتَلًا فَأَخْوَرًا

که خدای دوست ندارد آنرا که باشد کشته ناریزه

۱۳
لَهُ الَّذِينَ يَخَاوَنُ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ

انان که مخفی کند و فرماید مردمانرا

بِالْحُدَىٰ وَيُؤْتُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ

مخفی و می رسد آنچه داد از آنرا خدای از

فَضْلِهِ وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا

هزار خوشتر و ساختیم ما کافرانرا عذاب

مُهَيَّنًّا وَالَّذِينَ يَقْتُونَ أَمْوَالَهُمْ

خوار کنند و آنان که هرزندی کنند خواستنی ایشان

رَبَّيَا النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا

نقدار مردمان و نه می گردند خدای و نه

بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ
بروز سجده وهرک باشد دبو

لَهُ قَرِينًا قَبِيلاً قَرِينًا ﴿١﴾ وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ
ادرا ناری بد یاری است و هست برایشان

لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
اکبر بگویند خدای و روز بس

وَأَنْفَعُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ
وهرسه کنند ازاج روزی کرد ایشانرا خدای و هست

اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٢﴾ إِنْ لَمْ يَنْظُرِ
خدای بنظر دانا کنجای ستم نکند

مُنْقَالِ ذَرِيَةٍ وَإِنْ تَكْ حَمِيَّةً نَصَّاعَةً
بسنک مورخ خرد واجر باشد نیکی بگردد اندازا



وَيُؤْتِي مَوْلَاهُ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣﴾ فَبِذِكْرِ
و میدهد از نزدکله مزد بزرگ حکونه

إِذَا جِئْنَا مِنْكُمْ أَئِمَّةً بَشِيرًا وَنَذِيرًا
همه سلام از هر امتی کواهی و بشارت نوا

يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ﴿٤﴾ يَوْمَئِذٍ يُؤْتِي
بر آنان کواه از روز که خواهد

الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ
انان که کافر شدند و نافرمانی کردند رسوله

لَوْ تَبَيَّنُوا بِهِمُ الْأَرْضَ وَلَا يَكْتُمُونَ

اگر راست گفتند / نشان زمین / و پنهان کنند

اللَّهُ خَدَيْتَنَا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

آن خدای سخی / ای آنان که / نکرده

لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى

نزدیکی مکنی / نماز / و سها / مستان

حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا

تا بدانید / آنچه می گوید / و نجس

إِلَّا غَابِرِي سِينِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ

مگر کعبه در آن راه / تا غسل کنید / و اگر

كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ

باشید بیمار / یا بر سفر / یا ایند

أَخْبَدْتُمْ مِنْ غَائِبَاتٍ أُولَمَسْتُمْ

نگی لرزید / از بخت کردن / ماسه فرا کرد / باشد فرزندان

الْبَيْتِ فَلَمْ تَجِدُوا مَا فَتَيْتُمْ

دنه ماسد / ابر / تیمم کرد

صَعِيدًا طِينًا فَأَمْسِكُوا بُرُوجَهُمْ

خاک نرم / خوراک / بایند / بر دهن خورشید

وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ الَّذِينَ كَانُوا يَغْفُونَ

و در ستاره خورشید / که خدای / هست در کله / امیر بینه

الذين اتوا بصيننا من
نه یعنی سوی انکسائی کردند ایشانرا

الكتاب يشتمون الضلالة ويريدون
کتاب بے خرد بی راهی را و می خواهند

ان تضلوا اليه **والله اعلم**
که که سوندند راه و خدای داناست

يا عبدنا **وليا فلي**
مدحان نما و سده بود خدای بار و سده بود

يا الله نصيرنا **من الدين هادوا**
خدای فرزند کن از انانکه جهون شدند



لحرفون الكلم عن مواضعه
مے گردانید سخنرا از جایگاهها را

ويقولون **بسمعنا وعصينا** و **اسمع**
وی گویند بشنودیمما و فرمان شاییم و بشنو

غير **يسمع** و **راينا لينا** **اليسنتهم**
که مه سورا و می گنند مرا عا که ما را گردانند بزبانها ایشان

وطعنا **في الدين** **ولو انهم قالوا**
و طغ کردند در دین و اگر ایشان گفتند

بسمعنا و اطعنا و اسمع و انظرنا
بشنودیم و فرمان بردیم و بشنو و بنظر نما

لَكَانَ خَيْرَ الْهَمِّ وَأَقْوَمَ وَالْكَفَى لِعَهْمِهِمْ
بوذی نمت ایشانرا ^{داده} و کس ^{نور} که ایشانرا

اللَّهُ يَكْفُرُهُمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا
خدای بکفر ایشان ^{می گردند} مگر اندک

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلْكِتَابَ آمَنُوا
ای آنان که ^{دادند} ایشانرا کتاب ^{بگردند}

بِمَا تَرَكْنَا مِنْهُ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
بناج ^{مستادم} ما در دلایه ^{انرا} که ^{باشماست} از ^{بش}

أَنْ تَطْمَئِنُّ وَجُوهًا قَرَّتْ رُءُوسُهُمْ عَلَى
انک ^{مخوینند} ^{دو بار} ما ^{که} ^{دایم} انرا ^{بر}

أَذْبَابُهَا أَوْ نَلْعَنُهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ
بشماران ^{ما} نفر ^{کنیم} ایشانرا ^{چنان} ^{نور} ^{کردیم} خداوندان

الْبَيْتِ وَكَانَ مِرًا لِلَّهِ مَفْعُولًا
سینه ^{را} ^و ^{باشند} ^{فرمان} ^{خدای} ^{که}

إِنَّ لِلَّهِ لَإِغْفِرَ أَنْ يَشْرُكَ بِهِ وَلِغْفِيرٍ
که ^{خدای} ^{بیاورد} ^{انرا} ^{اینان} ^{بگرداند} ^و ^{بیاورد}

مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ
اچ ^{فروز} ^{است} ^{انرا} ^{خواهد} ^{وهر} ^{اینان} ^{بگرد}

بِاللَّهِ فَقَدْ أَفْرَجْنَا نَسْرًا وَعَظْمًا
خدای ^{درستی} ^{که} ^{فرمانت} ^{بزر} ^{بزرگ}

الْمُتْرَابِ الَّذِينَ يَرْكُونَ أَنفُسِهِمْ

نه بی بی بسوی انا که ما کینه کو بند
سها خزش

بِاللَّهِ يَرْكَبُ مَنْ يَشَاءُ وَلَا يظلمُونَ قِيَلًا

نه کنجای با کند انا که خواهد
و ستم کند مقدار سستی که در کتاب
و حسنه خرا باشند

أَمْ ظَرَ كَيْفَ يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ

بیکر حکونه خدای مافند تر خدای
بروغ

وَكَفَرُوا بِآثِمَاتِنَا مِثْلًا

نه بی بی سوی انا که
دسته استند بدوار برور روشن

أَوْ تَوَلَّوْا نَصِيحَتَنَا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ

دادن انا را از کتاب
کمی کو بند



بِالْحُبِّ وَالطَّاعَتِ وَيَقُولُونَ

و هر چه جزا خدای بر شنبند
و کوبند

لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يَأْتِيهِمْ مِنَ الَّذِينَ

انانرا که کافرند انان
برده نماند از انا که

آمَنُوا بِسِينَةٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ

نکردند باهی
اشان اند

لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فليس

نفرین کرد انانرا خدای و هر که
نفرین کرد او را خدای نه

تجد له نصيرا أم لهم نصيب من

باوی ادرا بار
با ایشانرا

المذک واز الایوتون النابین تقیرا
بادشاهی ایام نه دهند مردمانی مقدار نظر اگر نشسته خواهد آمد

ام تحسید ووز النابین علی ما آتیهم الله
یا جدیدی کند مردمانی بواج داداشانرا خدای

من فضله فقد آتینا الابرار من الکتاب
از فضل خویش مدتی که دادم که ابرویم را کتاب

والحکمة واتیناهم مملکة علی عیننا
و حکمة دادیم ایشانرا بادشاهی بزرگ

فمنهم من امن به ومنهم من صدق عنه
ایشان اند که بگویند به و ایشان کرم و دیگر کذب ازو



و کفی حکمتهم سنجیرا ان الذین
و بسنده است دوزخ اندر سوزید که انار که

کفر و آیاتنا سیوف فضلیهم نازرا
کافوسند محمدانما روزود کردارم ایشانرا درستی

کما نصحت جلودهم ید لنا هم جلودنا
که که کسوخسته شویم بوستدارانان که کردانیم ایشانرا بوستما

غیرها لیدوقوا العذاب ان الله
خدا را از باخشند عذاب که جزای

کان عزیزا حکما والذین آمنوا
هستند از محمد راستگیار را انار که بگویند

وَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ يَسْتَدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ

وگردید و نیکها روز و روز که در آن ایام است

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

بی روز از زمان حوینا حوینا در آنجا

أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا

همیشه آنرا است در آنجا را بی پاک کرد و در آن ایام آنرا

ظِلًّا ظِلِيلًا إِنْ أَرَادَ اللَّهُ بِأَمْرٍ كَرِيمًا تَوَدَّ

در سایه همیشه سایه کفای بی فرماندهی که کردید

أَلَّا تُؤْتُوا الْأَمَانَاتِ الَّتِي آفَاهَا وَأَزَا حِكْمَتِهِمْ

امانتها را عداوتها را و جز داور بود

يُنزِلُ النَّاسِ أَنْ يَكْفُرُوا بِالْعَذَابِ إِنْ

مان مردمان که داور بود بواسطی

اللَّهُ لَعْنَةُ الْعِظَامِ كَرِيمَةٍ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ كَانُ سَمِيعًا

کفای نیک بند و بند شما کفای همه سنوا

بَصِيرًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِّيعُوا

و سنا ای آنان که کردید فرمان برید

اللَّهُ وَاطِّيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي

خوابا و فرمان برید سعادت را و خداوندان

الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

کارها از شما اگر خلاف کنید بر چیزی

فَرَدَوْهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ن

باز کردیم آنرا بسوی خدای و پیغمبر

كَثُرَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

هستند بی گزید بسوی خدای و روز واپس

ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَخْبَثُ أَتَوِيلًا

آن بهتر و پنهانتر است مآب

إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا

سوی آنان که دعوی می کنند که ایمان دارند

أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ

در شانند آنچه از پیش تو

يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ

می خواهند که در اداری کنند به بت و کوسر کهند

وَقَدْ آمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ

و دلش می که در حق آنرا که کافر شوند بند و می خواهند

الشَّيْطَانَ أَنْ يَضِلَّ غَضَبًا وَعِندًا

دیو که می راه کند ایشانرا براه کردن دور

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ

و چه کند ایشانرا ساسد نزاح در سناذ

اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأْيُ

خدای و سوی پیغمبر



المنافقين يبذرون عنك صدوزا
منافقانرا دوری سودر از تو دور سندی

وكيف ارا اصابتهم مصيبة بما
حکونه بود چیز رسدنتان مصیبتی مذاج

قلمت ایدیهتم تم جاوگ تجلفون
شش مرشاد دستها بارتان بر سر بر تنو سوکدی خندان

بالله ان اربنا الا احبنا فاقوتوقنا
خدای که بخوایستیم ما مگر بگو، و بوفوق

اولیک الذین یعلم الله ما فی
ایشان اند انان که بی دانند خدای اع بر

قلوبهم فاعرض عنهم وعظم وقل
دلها ایشان بر کرد ایشان و سده ایشان و ک

لهم فی انفسهم قولا بلیغا وما
ایشانرا بر نهادن ایشان گفتاری نیک رسیده و نه

ان یسلنا من سوال الایطاع یاذن
گفتادیم ما از سواهدی مگر تا فرمان دهد او را بفرمان

الله ولوانهم از ظلموا انفسهم
خدای و اگر ایشان حذر ستم کردند بر نهادن ایشان

جاوگ فاستغفروا الله واستغفر
آمدند بی سوز امروز شرح استغفیری از خدای و امروز شرح خاشی

لَهُمُ الرَّسُولُ لُوَجِدُوا اللَّهَ تَوَاتًا

ایشانرا پیغامبر ماموری جزایرا نوسه رسیده

رَحِيمًا ۞ فَلَا وَرَيْبَ لَأَيُّكُمْ يَتَّقُونَ

بخشاینده نه و محزای تو بنویسند

حَتَّىٰ يَكُونَ لَكُمْ فِيهَا شَجَرٌ يَتَّقُونَ

تا چویم کند ترا دراج افتد میزان ایشان بر

لَا تَجِدُوا فِيهَا نَفْسًا وَرَأْسًا مَّمًا

نه ناوید بر تنه ایشان سگی ازاج

قَضَيْتُمْ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۞ وَلَوْ أَنَا

نوحی کونی و کردیم کردیم مادی و اگر ما



كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْبَمًا ۞ أَنْفُسِكُمْ

و احبکم بر ایشان که بکشند بر تنه ایشان

أَوْ أُخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَجَعَلُوهُ إِلَّا

اگر بیرون شوند از سرایانها نه کردند مگر

قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا

اندکی از ایشان و اگر ایشان کند

بِأَوْعَظُونَ بِهِ لَكَارِ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ

سده رسد بدان نودی نمنه ایشانرا و سخت

تَثْبِيثًا ۞ وَإِذَا لَمْ يَنْبَأَهُمْ مِّنْ لَّدُنَّا

استوار و آگاه بدین ایشانرا از سر کما

اَجْرًا عَظِيمًا ^{موردی} وَلَهْدِيَنَاهُمْ صِدْرًا ظَلَامًا ^{موردی}

مَبِينَتَيْتَهُمَا ^{باز است} وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ ^{وهرک}

فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ^{اشاره اند}

مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءَ ^{از سعادتان}

وَالصَّالِحِينَ وَالْحَسَنَاتِ ^{وهمه} وَالصَّالِحِينَ وَالْحَسَنَاتِ ^{وهمه}

ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ ^{این فضالت} وَكَفَىٰ بِاللَّهِ ^{از خدای}

عِلْمًا ^{دانا} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خذُوا ^{ای کسانی که}

حِذْرَكُمْ فَاتَّقُوا ثِيَابًا وَأَتَّقُوا ^{بهرسوزید}

جَمِيعًا ^{همه} وَإِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيْسَ بِطَيِّبٍ ^{وهمه}

فَإِنْ أَصَابَكُمْ مَجْيِبَةٌ ^{اگر رسد شما} قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ ^{اگر رسد شما}



اللّٰذِيْنَ يُشِرُّونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ
مالکسانی کے چہرہ ہرکافی لرحمان از حمان

وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيُقْتَلْ
وہرک کارزار کند بر راہ خدای بکشد اورا

اَوْ يُغْلَبْ لَيُسَوِّفَ لَكُمْ نَوْتَهُ اِجْرًا عَظِيْمًا
نا اور غلبہ کند زود بود کہد ہم اورا مزدی بزرک

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُوْنَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
وہم بود شمارا کہ کارزار ہی کنید بر راہ خدای

وَالْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
وانک باسد ضعفان از مردان و زنان

اللّٰهِ عَلٰی اِذَا لَمَّا كُنْ مَعَهُمْ شٰهِدًا
خدای بر مرقز از بود با ایشان بخاضد

وَلِيْلٌ صٰبِقِكُمْ فَمَنْ فُضِّلَ مِنَ اللّٰهِ لَيَقُوْلُنَّ
واکبر رسد شما فہمی از خدای کوہد

كَانَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ
خاند نہ بود میان شما و میان او دوستی

بِآيٰتِنَا كُنْتُمْ مَعَهُمْ فَافُوْا فَوْزًا
ای کاشکی نہ ہودی با ایشان باساعتی باساعتی

عَظِيْمًا ۝ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
بزرک کارزار کرد راہ خدای

وَالْوَالِدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا

دکو دکان امان که بچه کو سله حذارتها بیرون برار

مِنْ هَذِهِ الْفِرَّةِ لِظَالِمِ أَهْلِهَا وَاجْعَلْ

از بین این که ستم کارنده اهوان و کرمها

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ

مارا از نزدکتو دوستی و کرم مارا از

لَدُنْكَ نَصِيرًا الَّذِينَ آمَنُوا يَتْلُونَ

نزدکتو ماری امانک بگروید کارزار کنند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

در راه حرای و امانک کافر شدند

يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا

کارزار کنند در راه دیووی رایی کارزار کنید

أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ

بادستان دیو که مکر دیو

كَانَ ضَعِيفًا الْمُرْتَدَّيْهِ الَّذِينَ

هست سست نه می نلی سوی امانک

قِيلَ لَهُمْ كَلِمَاتٍ بَعْضُهُنَّ أَكْبَرُ مِنْ

گفتند از آنها فرودارید دستها شما وسای دارید

بَعْضُهَا أَصْغَرُ وَأَنْتُمْ كَافِرُونَ وَالصَّلَاةُ

نماز و روزه زکوة فلما كتب

عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرَّقَ مِنْهُمْ أَحْسَنُونَ

بر ایشان کادزار خون خرمی از اینک در سینه

النَّاسِ كَحَشِيَّةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ حَشِيَّةً

اگر مردمان خنانک برسد از حزابی ماسخند از ترس

وَقَالُوا رَبَّنَا الْمُرْكَبُ عَلَيْنَا الْقِتَالُ

وگویند خداندا چرا مستی بر ما کادزار

لَوْلَا آخِرَتُنَا إِلَىٰ آجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ

چرا نه ما زنگ استی ما را شبوی زمانی نزدیک بگوی

مَتَاعِ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ

بر خورداری از جهان اندکست و از جهان عمر

لَمِنَ اتَّقَىٰ وَلَا يظلمون فبئلا

انرا که برهیزد دستم کند بر ایشان چنانکه

أَنْتُمْ تَكُونُوا يَذُرْكُمْ الْمَوْتُ

هر کجا ماسد رسد بشما مرگ

وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بَرْجٍ مَّسْتَبِقَةٍ وَإِنْ

واگر ماستید بر برجا برافراشته و اگر

تَصَبَّهْمُ حَسْبَةً يَقُولُوا هَذَا مِنْ

رسد نشان بگوید گویند این از

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنْ تَصَبَّهْمُ نَبِيَّةً

نزدیک خداست و اگر رسد نشان بنوی

تَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كَلِمَاتٌ

مگویند این از نزدیک توست که همه از

عِنْدَ اللَّهِ فَمَا لَهُمْ بِالْقَوْمِ لَا

نزدیک خداست چه نوزست لبر گروه را

يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثَنَا مَا

خواهندی کردار و بدی سخن ما

أَصَابَكَ مِنْ حَسْبَةِ اللَّهِ وَمَا

رسد تو از بگی از خداست و

أَصَابَكَ مِنْ حَسْبَةِ اللَّهِ فَمَنْ تَفْسِيكَ وَأَرْبَابَنَا

رسد تو از بدی از من توست و در شادم ما را

لِلنَّاسِ رِسُولًا وَمَا كَانَ اللَّهُ مُشْفِقًا

مردمان را پیغامبری و پندارنده بود خدای کرامتی

مَنْ يَطَّعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَّاعَ اللَّهَ

هر که فرمان برد پیغامبر را بدستی کطاعت داد خدا را

وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

وهر که برگردد نه در ستادم تو را و نشان



جَنِيظًا وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا

نگاه دار و می گویند فرمان بوم

بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ

بروز سوید از نزدیک تو شب گذارند و کالند گروهی

مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ

از ایشان بر خزاران که بے کوی و خدای تو بید

مَا يَبْتَغُونَ فَاِغْرَضْنَاهُمْ وَتَوَكَّلْ

اچ بے سکا الله روی کرد از ایشان و توکل کن

عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا اَفَلَا

بر خدای و بسنه اسد بخدای وکیل بالدره

يَتَذَكَّرُونَ الْفَرَارِ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ

اندشند درقان و اکوودی از نزدیک

غَيْرِ اللَّهِ لَوْحِدٍ وَاقِيهِ اَخْتِلا فَا

خند خدای ما فتندی دران حلا

كَثِيرًا وَاِذَا جَاءَهُمْ اَمْرٌ مِنَ

سیار و حور اندویشان بکارب از ایمنی

اَوْ الْخَوْفِ اِذْ اَعْوَابِهِمْ وَلَوْ رَدُّوْهُ

یا ترس اسکارا کشند از او و اگر باز آرند از او

اِلَى الرَّسُوْلِ وَاِلَى اَوْلِيَ الْاَمْرِ

با سفامه و با خدا و بران حرمان

مِنْهُمْ لَعَلَّه الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُوْنَهُ

از ایشان بر اندی از او انان که برون تو انداورد علم ما بفرستند

مِنْهُمْ وَلَوْ اَفْضَا اللَّهُ عَلَيْكُمْ

از انان و اگر نه فضل خداست بر شما

و رَحْمَتَهُ لَا تَبْعُهُمُ الشَّيْطَانُ الْأَقْبَلُ
در رحمت او بس روی کردی شما دیورا مگر اندک

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تَكْفُ الْأَلَا
کارزار کن هر راه حذای و نه خواهند مگر

نَفْسِكَ وَخَرِصْ الْمَوْتِينَ عِشِي اللَّهِ
تر شو و بر انگیز برودگانرا تا مگر باشد حذای

أَنْ يَكْفُ بِأَيِّمِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ
که باز دارد که انان که کافر شدند و حذای

أَشَدُّ بِأَيِّمِ الْأَشِدَّةِ تَكْبَلَا مَنْ
سخت گنده بر سخت و سخت عقوبت تر هرک

لِيَسْفِغَ شَفَاعَةَ حَسْبَةِ يَكْرُ لَهُ
سفاغ کند سفاغی نیکو ناسد او را

لِيَصْبِيَتْ مِنْهَا وَمَنْ لِيَسْفِغَ شَفَاعَةَ
بهر ازان و هرک سفاغ کند سفاغی

بِنَيْبَةِ يَكْرُ لَهُ كَفَلَتْ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ
ند ناسد او را ناسدانی ازان و همد حذای

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا وَإِذَا حِيلْتُمْ
تر همه خبر توانا و حزن سلام کند شمارا

بِحِجَّتِهِ فَيَبْوَأُ الْخَيْسَ مِنْهَا أَوْ
سلاهی جواب دهد سگوتر ازان یا



ردوها ان الله كان علي كل نبي حسينا
نار کرد این را که خدای بود بر هر حیر شمار دار

الله لا اله الا هو ليجمعكم الي يوم
خدای سست خدای مگر او که جمع کرد ما را سوری روز

القيامة لا ريب فيه ومن اصدق
رستخیز سنه شک دراز و کسب راست گویند

من الله حديثا
از خدای حکایت

المنافقين فيئسوا والله اركبهم
منافقان دو کور شدی و خدای نگویند کرد ایشان را

بما كسبوا اتريدون ان تقدروا
بما کسبید بچه خواهید که بایه نامسراوا

من اضل الله ومن يضل الله فان
انرا که کم کرد انرا خدای و هر که راه نماند او را خدای

لجد له سبيلا ورواؤ تكفرو
بای او را بلای و خواهند اگر کافر شوند

كما كفروا فتكفون سوا افلا تتجدوا
چنانکه کافر شدند تا ما سید بکسان مگیرند

منهم اوليا حتى يهاجروا في
از ایشان دوستان تا نگویند

سَبِّحْ لِلَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَدُوهُمْ وَأَقْبَلُوهُمْ
راه خدای اگر برگردند بگرددند از آنرا و بکشند ایشانرا

حَسْبُكَ وَجَدْتُمْهُمْ وَلَا تَجِدُوا مِنْهُمْ
هرگاه ماوند ایشانرا و همه گیرند از ایشان

وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ
دوستی و نه یاری مگر آنانکه میرسند

إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ
با گروهی که میان شما و میان ایشان عهد راسته است اگر

خَاوَكُمْ خِيْرَتٌ صَدَقَةٌ وَرَهْمَانٌ
اندیشنا که شده باشد دهنانان که

يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ
حرب کند با قوم خویش یا حرب کند با قوم خویش و اگر

شَاءَ اللَّهُ لِيَسْلُطَنَّهُمْ عَلَيْكُمْ فَلْيُقَاتِلْهُمْ
خواهد خدای هرگاه از ایشانرا بر شما تا حرب کنند با شما

فَإِنْ اعْتَصَمْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلْكُمْ وَالْقَوْمُ
سرا که دور شوند از شما و حرب نکنند با شما و او کشتند

إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ
بشما صلح را نه کرد خدای شما را

عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ۝ سَبِّحُوا لِلَّهِ
بر ایشان راهی روزی بگو که ماوند دیگران



يُرِيدُونَ أَنْ يُبْسِطُوا لَكُمْ صُلْحًا فَمَا تُبْسِطُونَ
میرندوزان یا منوکر و یا منو افرو هم
می خواهند که امر را بدین شکارا و امر دارند

كَلِمَاتٍ بِيَدِنَا أَوْ يَأْتِيهِمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْنَا
کلماتی در دستان ما است یا می آید به سوی
مهرنگاه که باز گرداند سوی فتنه نکو بارید او کشد از آنرا

فَإِنْ لَمْ يَعْزُبُوا عَنْكُمْ وَابْتغُوا إِلَيْكُمْ
فراگر بیکسو نرسند از شما و او کشند به شما

الْبَيْتِ وَيَكْفُوا أَيَدِيَهُمْ خذوهم
صلح را و فرود دارند دستهای خود را بگیرند از آنرا

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأُولَئِكَ
و او کشید از آنرا هر کجا که او بکشد از آنرا

يَجْعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مَبِينًا
گردانیم ما شما بر ایشان محبت آشکارا

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا
و نه باشد هیچ کس از آن بکشد کس دیگری را

بِالْخَطَا وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً
مگر خطا و هر که بکشد کس دیگری را خطا

فَتَجَرَّ بَرِيَّةً مَوْمِنَةً وَرِيَّةً مَسِيئَةً
از آن کردن بر کس کرده و دهنده و سبزه

إِلَى آهْلِهِ إِلَّا أَنْ يُجَدِّقُوا فَإِنْ كَانُوا
بگفوم او مگر که صدقه کنند اگر باشند

مَنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُمْ مَوْمِنُونَ

از گروه دشمن شمارا و او گروهی بود

فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مَوْمِنَةٍ وَاِنْ كَانَ

ازاد کردن کردن کرده و اگر باشد

مَنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ قَدِيمَةٌ

از گروهی که میان شما و میان آنان عهد بود و دینی

مَسِيئَةً اِلَى اَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ

توبه نمودن او و ازاد کردن گروهی

مَوْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِصِيَامًا شَقِيحًا

کرده آنک سازد روزی داشت

مَنْ تَابَ عَنِ اثْمِنِ تَوْبَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ

سوسته توبه است از خدای و هست خدای

عَلِيمًا حَكِيمًا وَمَنْ يُقْرَأْ مَوْمِنًا

دانا حکم و هر که بشکند گروه را

مَنْ عَمِلَ فِىْ ذٰلِكَ فَجْرًا وَّكَانَ اللّٰهُ جَالِدًا

عمد دارا نادر است دوزخ است جاوید

وَيَقْرَأُ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاَلْعَنَهُ

در آنجا و حنم کرد خدای بر ایشان و معرود او را

وَاَعْدَلَهُ عَذَابًا عَظِيمًا يَا أَيُّهَا

و سزاوار او را عذاب بزرگ ای



الذین امنوا از اضربتم فی سبیل

الله قتلتموا ولا تقولوا لمن یارقی

الیکم الیکم لیسبت مؤمناتینفون

عمرض الحیوة الدنیا فعند الله

مغان کثیرة كذلك کثرت من قبل

امکان بکلا نذر خون بر روی در راه

خداي سدا کیند و مه کوسد انرا که افکند

سبتا صلح با نستی تو کرده می جوی

کلا ارجهان بر در خرابست

عممت بسباد بختی نودد شما از شش

فمن الله علیکم قتلتموا از الله

کان بما العملون خیرا لا یسبوا

القاعدون من المؤمنین غیر اوفی

الضرب والمجاهدون فی سبیل الله

بأموالهم وانفسهم فضل الله

مست نماز خدای بر شما سدا کیند که خدای

هست نداج بکنید دانا مست سگهان کی

انرا مستکارانند از کبر و بزرگان مگر خرابند

زمانها و جهاد کنندگان در راه خدای

خواستار ایشان و شهدا ایشان خدای

المجاهدين باموالهم وانفسهم على

القاعدين ذرعة وكلا وعد الله

المحسني وفضل الله المجاهدين

على القاعدين اجرا عظيما ذريات

منه ومغفرة ورحمة وكان الله

غفورا رحيما ان الذين توفوا

الملائكة طالبي انفسهم قالوا

فيم كنتم قالوا كنا متبضعين

في الارض قالوا الم تكن ارض

الله واسبعة فتهاجروا فيها فاولئك



کوستدگانزا خواسنهاشان وشرائشان بر

سسکان بایکاهها دمه را وعه کرد خدای

نیگوی وفضل نهاد خدای کوستدگانزا

بر سسکان مزدي بزرگ بایکاهها

ازو دامرزشی ورحمتی دهست خدای

امروزین مهربان کمان که صبراندانانرا

فوسکان سم کنندگان تن بر در کونند

در بوزی کوند بوزم سکارکان

در زمین کفند بانه بول زمین

خدای فراخ که بخت کردند درلجا ایشانند

ماؤیهم جہنم و سیاہ مہینرا

کهای ایشان دوزخست و بدست جای ایشان

الا المبتضعین من الرجال

مکبر نکارگان از مردان

والنساء والولدان لا یستطیعون

وزنان و کودکان که نتوانند

جمله ولا یفتابون پیسیلا

چانه گردنی و راه بناوند بر اسی

فاولیک غیبی الله ان یعفو

ایشان اند که مگر خدای عفو کند

غفور و كان الله غفورا

از ایشان و هست خدای عفو کننده و امر رنده

ومن ینها جز فی سبیل الله تجد فی

وهرک محرت کند در راه خدای ناود به

الأرض من اعماکثر او بیعه ومن

زمین خاکها بسیار و فزای و هرک

تخرج من یتبه مهاجرا الی الله

بروز ستود از خانه خویش محرت کنند بسوی خدای

و رسوله ثم یرک المون فقد

و سعاد بر او سر در ناود او را مرک بدستی

وَفِجْ اَجْرِي عَلَى اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ
گاشد مزداد بر خدای هست خدای

غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَاِذَا ضَرَبْتُمْ فِي
امیدند مهربان و هر برفتند لب



الْاَرْضِ فَلْيَسْئَلْ عَلَيْكُمْ جُنَاحَ اَنْ
زمین بسست بر شما تنگی اجر

تَقْصِرُوا مِنْ اَصْلُوْتِهِ اِنْ خِفْتُمْ اَنْ
بکاهید از نماز اگر ترسید که

يُقْتَلَكُمْ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِنَّ الْكٰفِرِيْنَ
ضنه کنند شما آنان که کافر شدند که کافران

كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِيْنًا ۝ وَاِذْ كُنْتُمْ
هستند شما را دشمن آشکارا و هر مانی

وِيْهِمْ فَاَقِمْتُمْ لِحْمِ الضَّلٰوةِ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ
در میان ایشان سایه داری ایشان نماز بر چیزی نما کجوهی

مِنْهُمْ مَّعَكُمْ وَلْيَاْخُذُوا اَيْدِيْكُمْ
از ایشان با تو و نگاه دارند سلاجهای ایشان

فَاِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُوْنُوْا مِنْ وَّرَآئِكُمْ
هر سجده کنند باسند ایشان از بر پشت شما

وَلْيَأْتِ طَائِفَةٌ اٰخَرِيْ لَمْ يَصُوْا
و ساسدا کجوهی دیگر که نماز نکرده

فَلْيُصَلُّوا مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا بِحَبْلِهِمْ
فماز كنيد با تو و فدا كنيد چندانان

وَاسْلُجْتَهُمْ وَذَلُّوا كَفَرُوا لَوْ
وسلا چهار نشان و خواه انا كه كافر شدند اگر

تَفْعَلُونَ غَزَا سِلْجِكُمْ وَامْتَعْتُمْ فِيهِمْ لَوْ
غافل سوند از سلا چهار شما و كلاها شما با بر كنيد

عَلَيْكُمْ مِثْلَهُ وَاجِدْهُ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
بر شما بگر كنند و مست ننگی بر شما

إِنْ كَانَ بَيْكُمْ آذَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ
اگر باشد شما دمی از باران ما ناسبید

مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا
سواران كه ننهید سلا چهار شما و كنيد

حِذْرَكُمْ إِنْ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
خدا خوش كه خدای سلا چهار كافرانرا عذاب

مُهَيَّبًا ۝ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَاذْكُرُوا
خوار كنند ۝ چه تكرار كنند نماز را یاد كنند

اللَّهِ قِيَامًا وَقَعُودًا وَعَلَىٰ حُنُوبِكُمْ
خدا بر استاده و سسته و بر بلوهار شما

فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ
چه آرام كنيد و امر سدی سای داری نماز را

اِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتَابًا
که نماز هست بر کس که ایمان دارد واجب

مُوقِفًا وَلَا تَهِنُوا فِي اتِّعَابِ الْقَوْمِ
در رکوع مبلور و سست مشربید بر جستن قوم

اِنْ تَأْتُوا نَأْمُونَ فَأَنْتُمْ بِالْمُؤْمِنِ
اگر هستید که حج می یابید ایشان در حج می یابید

كَمَا تَأْمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا
حناج شمار حج می یابید و امید می دارید از خدای اع

يَرْجُونَ وَكَانَ لِلّٰهِ عِلْمًا ذِيْ قَبْلِهَا
امید می دارید و هست خدای دانا را سرکار

اِنَّا اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ
ما فرستادیم بر تو قرآن راستی تا حکم کنی

بَيْنَ الْمُنَافِقِيْنَ اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ
مان مردمان بداع خود ترا خدای دمه باش



لِلْحَاكِمِيْنَ خَيْرًا وَاَسْتَغْفِرُكَ اللّٰهُ
خیر است کندگان را خیرم و آمرزش خواه از خدای

اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا وَاَلْقَادِرُ
که خدای هست آمرزنده بخشنده و سکاراکن

عَنِ الَّذِيْنَ يَخْتَنِفُوْنَ اَنْفُسَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ
از آنکسان که خجاست کنند ما بها خوش که خدای

لا تحب من كان خوانا انما يستحقون
روست ندارد انرا که هستند خانه کسله بزه کاد
بے پوشند

من الیاس ولا يستحقون من الله
از مردمان و نه بے پوشند از
خداي

وهو معهم از يبتون ما لبرمي
واو با آنهاست همزه ساکنند اچ نه بی بسند از

القول وكان الله بما يعملون محيطا
کفتار و هست خداي نلک و کند
دانا

فانتم قلوبا خادتم عنهم في الحياة
ای شما انان گھورمت کردند از انان در زندگانی

الذی اقرن بجا د الله عنهم يوم
دنیا هرک هر مت کند
از انان روز

القیامة امر یاقون علیهم وکیلا
قامت ما کبست گمانه بر انان و کبل

ومن یعمل سوءا او یظلم نفسه
وهرک کند مذکی اگر ستم کند برش خویش

ثم یستغفر الله بجد الله غفورا
سرا بوزش خواهد از خداي ناود از خدا برا
امر بده

رحیما ومن یمیت اثما فانما
مکشاید و هر که کند بزه
مندی



رَبِّهِ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ

کند از نزد بر ترخش و هست خدای

عَلَيْهَا حِكْمًا وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ

دانا راستکار و هر که کند نژدی اجر

إِثْمًا تَمَّ بِرَمِيهِ بَرِيًّا فَقَدْ اجْتَمَلَ بَيْنَنَا

نزد رس افکند از گناه بزرگ گناهی بدستی که برداشت گناهی

وَإِنَّمَا مَبِينَا وَلَوْ أَفْضَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ

و نزد موبدا و اگر نه فضل خدای استی بر تو

وَرَجْمَتْهُ لَهْمَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ

و رحمت او اندیشه کرد کردی از ایشان

أَنْ يَضُورَكَ وَمَا يَضُورُونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ

که بی راه کنند ترا و کم چه کند مگر تنها خود ترا

وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ

و کند ترا بی کند ترا معجز و در ساد خدای

عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعِلْمًا

بر تو قرآن و حکمت و در امر خدای ترا

مَا لَمْ تَكُنْ لِعِلْمٍ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ

اع بودی دانستی و هست فضل خدای

عَلَيْكَ عِظِيمًا لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ

بر تو بزرگ هست شکی نه بسیاری

من جویهم الامن ام بصدقنا ف

از راه کردن ایشان مگر آنکه بخواهید صلته داری بنا

مخروفا و اصلاح بین الناس و من

نیگوار باصلاح آوردن میان مردمان و هرک

يفعل ذلك ابتغا مرضات الله

کند آنرا حستی رضای خدای

فیبوف نوبته اجزا عظیمه و من

رزق خود کنیم او را مزدی بزرگ و هرک

یشاقق الرسول من بعد ما تبين

حلافت کند سفامبر را از س آنکه در آید

له الهدى ويتبع غير سبيل المؤمنين

او را راه راست و سر روی کند نه راه بگرددگانها

تو اهل ما توبتي و نصله حصن و سيات

باوی که در کم ای در برفت و سوزم او را بوزح و بند

مضيرا ان الله لا يغفر ان يشرك

حایکاه است که خدای نیامرزد آنرا که انان بگردد

به و يغفر ما روزه انك لمن يشاء

بزد و بیا مرزد ای خود است آنرا که آید

ومن يشرك بالله فقد ضل ضللا

و هرک انان بگردد خدای مدستی که کشد که سزدی



يَعْبُدُوا ^{رَبَّهُمْ} اِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهَا ^{لَا}
دور نه خوانند از روزاو مگر

اِنَّا نَا وَاِنْ يَدْعُونَ اِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ^{رَبَّهُمْ}
مادکافی ونه خوانند مگر دبو کردن کن

لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَا تَخْذُوا مِنْ عِبَادِكُمْ ^{رَبَّهُمْ}
سعی کرد او را خدای وکت فراخبرم از سداکن تو

تَضِيئًا مَقْرُوضًا ^{رَبَّهُمْ} وَلَا ضَلَمًا ^{رَبَّهُمْ}
سور و احب کرده که راه کم ایشانرا

وَلَا مَنِينًا لَهُمْ ^{رَبَّهُمْ} وَلَا مَرْجئًا لَهُمْ ^{رَبَّهُمْ} فَاَلَيْسَ بِنَجْمٍ ^{رَبَّهُمْ}
دارو عابدی مش ایشانهم و در عابم ایشانرا نامرند

اِذَا نَالَ لُغَامُهُمْ ^{رَبَّهُمْ} وَلَا مَرْجئًا لَهُمْ ^{رَبَّهُمْ} فَاَلَيْسَ بِنَجْمٍ ^{رَبَّهُمْ}
کوشنا چهارمان و در عابم ایشانرا نامر دانند

خَلْقُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا ^{رَبَّهُمْ}
اورش خدای و هر که گیرد دپورا دوستی

مَنْ دُونَ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسِيرًا ^{رَبَّهُمْ}
از روز خدای بدستی که زمان کرد زمان کردی

مَبِينًا ^{رَبَّهُمْ} لِيَعْبُدَهُمْ وَيَمْنُنَ عَلَيْهِمْ ^{رَبَّهُمْ} وَمَا ^{رَبَّهُمْ}
اسکارا و عود هذ ایشانرا و در سر هذ ایشانرا ونه

يَعْبُدُهُمُ الشَّيْطَانُ الْاَعْرُوزُ ^{رَبَّهُمْ}
هذ و عود ایشانرا مگر دوستی



اولئك ما اوتيتهم جهنم ولا تجدون

اشاره اند ^{بگمايگان} دوزخست و بناويد

عنها حينئذ والذين امنوا وعملوا

ازان بگشتن ^{ولان که} بگوييد و گرديد

الصلوات بين يديهم جنات تجري

نيلها ^{درارم} اشارا در مستها که روز

من تحتها الانهار خالدون فيها ابدا

از ^{زبان} خوا ^{حاونانان} در اجا ^{هيشه}

وعيد الله حقا ومن اصدق من الله

وعه ^{خداي} درست و بگشت ^{دارگوتز} از خداي

قيل لا يسير ما بينكم ولا امان

گفتار ^{بگشت} بارزوهاشما ^{ونه} ارزوها

اهل الكتاب من يعمل سوءا يجزيه

اهل ^{کتاب} هرک ^{کند} بدی ^{ماداش} دران

ولا يجزيه من دون الله ولنا ولا

ونه ^{ماوز} اورا ^{از} فروز ^{خداي} دوستي ^{ونه}

نصيرا ومن يعمل من الصالحات

ياري ^{وهيک} کند ^{از} نيلها

من ذكرا او انثى وهو مؤمن فاؤلئك

از ^{بزر} مامان ^{واد} کرده بود ^{ايتان}

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظلمُونَ نَقِيرًا
در سود در نشست و ستم نکند مقدارشان حسنه جدا

وَمِنْ أَحْسَنِ رِزْقِهِمْ أَنْبِيَاءٌ وَجِهَةٌ لِلَّهِ
وگسست بیکوتر بدین انانکه کردن بند و سوار روی خوشتر

وَهُوَ أَحْسَنُ رِزْقِهِمْ أَنْبِيَاءٌ وَجِهَةٌ لِلَّهِ
او وینکو کار و سر روی کند دین ابرهیم را انانکه

وَأَخَذَ اللَّهُ مِنْ آبْرَهِيمَ رِزْقَهُمْ وَأَخَذَ اللَّهُ مِنْ آبْرَهِيمَ رِزْقَهُمْ
وگرفت خدای ابرهیم را روست و خدای ابرهیم را روست

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ
اچ بر آسمانهاست و اچ بر زمينهاست و هست



اللَّهُ يَكْتُبُ لَكُمْ حَيْطًا
خدای بگوشه جو دانا و بپشتنفتونک

فِي السَّيِّئَاتِ أَقْبَلُ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِي هَذَا
بر زبان بگوشه خدای سادهد شمارا در ازان و اچ

يَتْلُو عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي تِلْكَ الْأَنْبِيَاءِ
بر خوانند بر شما بر کتاب در پیمان زبان

الَّتِي لَا تَنْتَوُونَ مِنْهَا كِتَابٌ لَكُمْ
انانکه که در ازان ازانرا اچ واجب کرد اید ازانرا

وَتَرَعْبُونَ أَنْ تَنْجُوهُمْ مِنَ السَّيِّئَاتِ حَقِيقًا
و رعيت نکند که برزی کنید ازانرا و صغيفان

من اولادان وان تقوموا لليتامى

از کودکان مسکین شما را

بالسبب وما تفعلوا من خير فان

بناز و هرح کنید از نیکی

الله كان به علمنا وان امراؤا خافت

خدای هست بدان دانایان و اگر زنی ترسد

من بغلها نشوزا او اعراضا فلا

از شوهر خویش نرسازی ما برکشتی نیست

جناح علیهما ان تصالحا بینهما صلحا

سجی بر ایشان که صلح کند میان ایشان صلح کردن

والصلح خیر و اجبرت الاقرب الشج

و صلح بهتر بود و حاضر گردانید شما را محلی

وان تحینوا و تنفوا فان الله كان

و اگر تنگی کنید و سره بیزد خدای هست

بما تعملون خیرا ولن تشتطیعوا

بناجی که کنید با ما و نه توانید

ان تعبدوا بنیالینیا ولو حیرصتم

که داد کنید میان زمان و اگر چه حیر نماید

فلا تمیلوا کل القیل فقد روهما

نمگردید همه میل کردی تا مگذارند از میانرا

كالمخلقة فان تصلحوا وتنتهوا فان

خداوند بفرموده و اگر اصلاح کنید و پشیمان شوید

الله كان غفورا رحيما وان

خداوند هست آمرزنده بخشنده و اگر

يتنصروا يغفر الله كلاما من سبحته وكان

ارم جزا سهند نه نیاز کند خداوند همه را از فزاینده و هست

الله واسمعا حكيما والله ما في

خداوند تراخ کار دانای و خداوند است ای نبر



السموات وما في الارض ولقد

آسمانها و ای در زمین است و بدستی که

وصينا الذين اوتوا الكتاب

وصند کرده اند آنها که دارند کتاب

من قبلكم واياكم ان تقولوا لله

از پیش تو و شما را که توبه کنید از خدای

وان تكفروا فان الله ما في

اگر کافر شوید خداوند است ای نبر

السموات وما في الارض وكان

آسمانها و ای نبر زمین است و هست

الله غيبا حكيما والله ما في

خداوند توانکار و نیاز ستودنی و خداوند است ای نبر

السموات وما في الأرض وكيفية
آسمانها وایچه در زمینست و سده است

بإله وكيلاً ان يشاء فيكم ايها
خدای کاربدان اگر خواهد هر شما را ای

الناس ويات باخرين وكان الله
مردمان وارد دنگواران و هست خدای

علي ذلك قبلاً من كان يريد ثواب
بر آن توانا هر که هست بخواهد ماداش

الذيها فحسد الله ثواب الدنيا والآخرة
از جنان نزدیک خدایست ماداش از حلال و از حلال

وكان الله سميعاً بصيراً يا ايها
و هست خدای شنوا و بینا ای

الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط
انان که بگروید باشد استندگان براد

شهد الله ولو على انفسكم ا و
که اهلان خدایا و اگر بر سها شما باشد اگر

الوالدين والاقربين ان يكف غيباً او
برماند و پدر شما یا بر خویشان اگر باشد تو انک ما

فقتلوا الله اولى بها فلا تتبعوها
دروش خدای اولی تر استندگان بر بی هوا بر وید

الهُوِي أَنْ تَعْبُدُوا وَإِنْ نَالُوا فَاغْرَضُوا

که داد کنید و اگر بر کردید با روی گردانید

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا يَا أَيُّهَا

که خدای هستند ندان چه کنید بنا و اگاه ای

الَّذِينَ آمَنُوا آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

انان که مکرودند تا بود خدای و سعادت

وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رِسُولِهِ

و در آن کتابی که فرستاد بر من سعادت

وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ

و در آن کتاب که فرستاد از پیش و هر که



يَكْفُرُ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ

کارشود خدای و فرستگاران و نامه‌ها را

وَرَسُولِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

و سعادت را و روز و ابسی عده‌ای که در آمدند در آمدند

لَعِينًا إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

دور آ از کسان که مکرودند پس کافر شدند

ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آذُوا قُلُوبَهُمْ

پس مکرودند پس کافر شدند پس مغرور شدند

لَمْ يَكُنِ اللَّهُ يَغْفِرُ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ

نست خدای که امروزه ایشانرا و نه راه نماید شان

بشیرا لبشر المنافقين بان

راهی مژده منافقانرا مذاکر

لهم عزابنا الینا الذین یتخذون

اینانرا نسبت عذاب بیدنا که چونند

الکافرتین اولیامن ذرور المؤمنین

کافرانرا دوشان از دوز کوهستان

ایتنغون عندهم العنة فان العنة

باید حورند نزد بکراتان عذوبی مدستی عنة

للہ جمیعاً وقد نزل علیکم فی

خدا پر است همه و درستی که در شانزد بر شما اچ

الکتاب انزلنا بیهم مع آیات الله

کتاب که هر دو سوره شما سخنان خدا

یکفریها ویستفزا بها فلا تقعبوا

کار سوزندان و افسوس کنید بدان که استسفیید

معهم حتی تلحوضوا فی حشره

ما شان تا رسوند که حشری جزدان

انکم انما هم من الله جامع

ک شما انگاه مانند انرا باشد که ای جمع کنند

المنافقین و الکافرتین فی جهنم

منافقان و کافرانست که دوزخ



جميعا الذين يتوبون بكم
همه انان که می شاختم به داید بشما

فان كان لكم فتح من الله قالوا
اگر باشد شما صبحی از حذای گویند

الذين هم معكم وان كان للكافرين
نه ما بودم شما و اگر باشد کافران

تصيب قالوا الم ننبئكم
بهور گویند که غلبه کردیم بر شما

و ننبئكم من المؤمنين فالله يحكم
و نازد استیم ناز از مومنان حذای داوری کند

بينكم يوم القيامة ولن يجعل
میان شما روز قیامت و نه کرد

الله الكافرين علي المؤمنين سبيلا
حذای کافران بر کرمندان باهی

ان المنافقين خابعون الله وهو
که منافقان می خواهند که فرسند خنایرا واد

خابعونهم و اذا قاموا الى الصلوة
دور شده اند از است و هنز و جیزند سوی نماز

قاموا كبيل يراون النابيين ولا
بر جیزند کاهلان می نماند مردمان را و نه

تذکروا لله الا قليلا ^{مذمتين}

مذمتين ^{مذمتين} ^{مذمتين} ^{مذمتين} ^{مذمتين}

بين ذلك لا اله الا هو لا اله الا هو لا

نه تا آنها و نه ما آنها

ومن يضلل الله فلن تجد له سبيلا

دو که بر راه کرد خدای نه سابی او را راهی

يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الكافرين

ای آنان که بگرددند مکبرند کافرانرا

اوليا من دون المؤمنين اتزیدون

دوستان از روز کج و درگان مای خواهند

ان تجعلوا لله عليكم سلطانا مبينا

که کنید خدا را بر شما حجتی آشکارا

ان لمناقضين في الدين الا ينقل

که منافقان به درک فرودت

من التبار ولن تجد لهم نصيرا

از ایشانند و نه مای ایشانرا یار

الا الذين نابوا واصلحوا واعتصموا

مکبر آنان که توبه کردند و سوار شدند و حکم در خدای زدند

بالله و اخلصوا دينهم لله فاولئك

و ویژه کردند در خویش خدا را ایشانرا



مع المؤمنين وينوف بوتي الله

ما کرده کاران و روز بود که بدهد خدای

المؤمنين اجزا عظمتنا ما يفعل

که در کارها مرد بزرگ ما کند

الله بعذابكم ان تشكروا فاقتموه

خدای نواب شما اگر سب کنید و بپروند

فكان الله شاكرا عظمتنا

و هست خدای شاکر و دانای

الحمد لله العبد المحب لله العبد

۴۸
در

٥

الخامس والعشرون

بسم الله الرحمن الرحيم

(٤٨) انا انزل

١

٢

٣

٤



170

170
170

170